

دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و

کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان

سیدحسین سراجزاده*

محمدرضا پویافر**

چکیده

بررسی و تحلیل کارکردی دین در نظام اجتماعی و نقش آن در حفظ تعادل و نظم اجتماع یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در جامعه‌شناسی دین بوده است. در این میان یکی از موضوعاتی که همواره محل بحث بوده، میزان تأثیر دین و دینداری افراد بر کاهش احساس آنومی و جلوگیری از بروز شرایط آنومیک در جامعه است. علاوه بر این، نقش دین در کاهش کجروی و بزهکاری یکی دیگر از موضوعاتی است که در زمینه تبیین کارکردی دین مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، اثر دینداری بر نظم اجتماعی در سطح فردی بررسی می‌شود. برای این کار، رابطه بین دینداری و دو متغیر احساس آنومی و کجروی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جمعیت آماری این مطالعه را دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان تشکیل می‌دهند. این مطالعه، یک نوع پژوهش کمی از نوع مطالعه پیمایشی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات در آن پرسش‌نامه است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، هر دو متغیر احساس آنومی و کجروی با دینداری کل، رابطه معکوس معناداری دارند. همچنین دینداری از طریق کاهش احساس آنومی در افراد نیز در کاهش بروز کجروی تأثیر دارد. در میان ابعاد دینداری، بعد پیامدی و بعد

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران serajsh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

مناسکی دارای بیشترین رابطه همبستگی منفی هستند و ابعاد اعتقادی و تجربی کمترین رابطه را با احساس آنومی دارند. در مورد رابطه کجروی با ابعاد دینداری نیز بعد پیامدی شدت بیشتری نسبت به ابعاد دیگر دینداری دارد. در این مقاله دلالت‌های این یافته‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری، کجروی، احساس آنومی، دینداری، سنجهٔ گلاک و استارک.

۱. مقدمه و طرح مسئله

یکی از رویکردهای مهم مطرح در جامعه‌شناسی دین، تبیین کارکردی دین است. در این رویکرد، در کنار دیگر کارکردهای فردی و اجتماعی دین، کارکرد آن برای حفظ نظم و سامان اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (ر.ک. همیلتون، ۱۳۸۱؛ ترنر، ۱۹۹۱: ۴۵-۶۱). در کنار سایر کارکردهایی که دین برای نظم اجتماعی دارد، اثر بازدارندهٔ دین و دینداری بر متغیرهایی مثل آنومی^۱ و احساس آنومی^۲ و نیز کجروی^۳ هم مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران بوده است. کجروی به معنی رفتار هنجارشکن و گناه مجرمانه و احساس آنومی به مثابه احساس بی‌اعتمادی به نظام اجتماعی و عدم اعتقاد به هنجارها و ارزش‌های جامعه است. احساسی که فرد را به سمت بروز رفتار کجروانه سوق می‌دهد.

در این مقاله با اتخاذ رهیافتی کارکردی، که دین و دینداری را یکی از عوامل تأمین‌کننده نظم هنجاری می‌شناسد، رابطه میزان و ابعاد دینداری با میزان کجروی و احساس آنومی در بین افراد مورد بررسی قرار گرفته است.

¹ Anomie

² Anomia

³ Deviance

۲. دین و نظم اجتماعی

مسئله نظم اجتماعی و کنترل اجتماعی همواره یکی از موضوعاتی بوده که توجه علما و فلاسفه اجتماعی را به خصوص در دوره‌هایی که نظم سنتی مستقر با مشکلاتی مواجه بوده، به خود معطوف کرده است. در ارتباط با این موضوع، جامعه‌شناسان کلاسیک مثل دورکیم و وبر دین را مورد توجه قرار دادند و تحلیل دین یکی از اصلی‌ترین مباحث آن‌ها شد (آرون، ۱۳۶۳: ۴).

به دلیل تأثیر بنیادین جامعه‌شناسان کارکردگرا بر جامعه‌شناسی دین، و به خصوص در ارتباط با مباحثی که به نظم اجتماعی مربوط می‌شود، ابتدا مروری بر رویکرد کارکردگرا در تبیین رابطه دین و نظم اجتماعی خواهد شد. در عین حال، به دلیل اهمیت و تمایز اساسی رویکرد وبری به این مسئله، جنبه‌های کلی این رویکرد نیز تشریح خواهد شد تا در مجموع، دلالت‌های محتمل برای رابطه دین و نظم اجتماعی بررسی شود.

الف) رویکرد کارکردگرا

رویکرد کارکردگرا که رویکرد غالب در جامعه‌شناسی دین بوده است (باد، ۱۹۷۳: ۵۱-۵۲)، ابتدا توسط دورکیم مطرح شد تا نقش دین در جوامع سنتی را تبیین نماید. به نظر دورکیم دین در افراد حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن فشار اجتماعی محترمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۷؛ همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

هری آلپرت (۱۹۶۱: ۱۹۸-۲۰۳) که یکی از شارحان آثار دورکیم است می‌نویسد کارکردهای دین از نظر دورکیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد: انضباط‌بخش و آماده‌ساز، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش^۱.

مناسک دینی به افراد انضباط شخصی و زهدگرایی، که از ضروریات زندگی اجتماعی است، می‌آموزند و به این ترتیب آنان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند. مراسم دینی مردم را گردهم جمع می‌کند و از این رو پیوندهای مشترک آنها را تثبیت و انسجام اجتماعی را تقویت می‌نماید. از طریق مراسم دینی اعضای جامعه از میراث اجتماعی خود عمیقاً آگاه می‌شوند و اصلی‌ترین عناصر وجدان جمعی زنده می‌ماند. سرانجام این‌که، دین در پیروانش احساس خوش سعادت و خوشبختی اجتماعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه، احساس ناکامی، بی‌ایمانی و تردید را از دل آنان می‌زداید. فایده بی‌نهایت ارزشمند مراسم و مناسک دینی برای هر گروه این است که پی‌آمدهای مخرب اضطراب و شکست و ناکامی را، که همه افراد و جوامع در معرض آن هستند، کاهش می‌دهد (همان). بنابراین، مراسم و مناسک دینی به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش موجب بازسازی اخلاقی افراد و گروه‌ها می‌شوند. در مجموع همان‌طور که ترنر (۱۹۸۳: ۴۷-۵۲) گفته است، از نظر دورکیم دین برای جامعه یک ملات اجتماعی^۲ قوام‌بخش است. در تبیین دورکیم از نظم اجتماعی یک مفهوم اهمیت ویژه‌ای دارد و آن، آنومی یا بی‌هنجاری است. کارکردهای اجتماعی دین که دورکیم به آن اشاره می‌کند، در تقابل و در جهت کاهش بی‌هنجاری اجتماعی و احساس مبتنی بر آن در جامعه عمل می‌کند.

¹ Disciplinary and preparatory, cohesive, revitalizing, and euphoric

² Social cement

به بیان دورکیم، هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم چنین وضعیتی را آنومی (بی‌هنجاری) می‌خواند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۲). برای دورکیم، آنومی وضعیتی است که افراد تعهدی به حاکمیت اخلاقی جامعه ندارند و به شکل قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر آن نیستند. از این رو، افراد احساس اضطراب، پریشانی و کمبود راهنمای اخلاقی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهایشان نابه‌سامان و تحت غلبه خودخواهی‌هایشان قرار می‌گیرد. این وضعیت شرایطی مناسب برای جرم و انحراف است و همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به ویژه آن‌ها که تعلق خاطر کمتری به جامعه و ارزش‌های آن دارند بیشتر در معرض رنج و دشواری و افتادن در ورطه جرم و خودکشی قرار می‌گیرند (سراج‌زاده، ۱۹۹۸: ۵۸).

بنابر آنچه گفته شد، یکی از عوامل جلوگیری‌کننده از بی‌هنجاری، احساس تعلق فرد به جامعه، میراث فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی است. رادکلیف براون می‌گوید: «می‌توان نشان داد که مناسک (دینی) کارکرد اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که مبنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

دیدگاه کارکردی دورکیم، با آثار دو مردم‌شناس مشهور انگلیسی؛ یعنی رادکلیف براون و مالینوفسکی، توسعه یافت. به نظر آن‌ها دین، همانند اخلاق و قانون، بخش مهم و حتی اصلی دستگاه اجتماعی است، بخشی از نظام پیچیده‌ای که به وسیله آن انسان‌ها می‌توانند در آرایش منظمی از روابط اجتماعی با هم زندگی کنند (رادکلیف براون، ۱۹۵۲، به نقل از همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

تحلیل کارکردی رانه تنها انسان‌شناسان برای تبیین کارکردهای حیاتی دین در جامعه سنتی و قبیله‌ای به کار بردند، بلکه برخی از جامعه‌شناسان هم آن را برای تحلیل کارکردهای دین در کلیه جوامع مورد استفاده قرار دادند (ویلسون، ۱۹۸۲: ۳۲-۳۳). این دیدگاه در کتاب کینگزلی دیویس (۱۹۸۴)، *جامعه انسانی*^۱ به خوبی مشهود است. نظر دیویس در مورد کارکردی بودن دین شباهت کاملی به دیدگاه دورکیم و رادکلیف براون دارد. به نظر او نظم اجتماعی ایجاب می‌کند که اهداف گروهی و ارزش‌های غایی^۲ نسبت به خواهش‌ها و انگیزه‌های فردی تقدم داشته باشند. ارزش‌های غایی به صورت وراثتی به مردم منتقل نمی‌شوند بلکه این ارزش‌ها باید به وسایلی به آنان آموخته و حفظ شوند. چون ارزش‌ها و اهداف غایی خواهش‌های جسمانی^۳ را کنترل می‌کنند، باید با قدرت تمام بر افراد مسلط باشند. اعتقاد به دنیای ماوراء طبیعت و دل‌مشغولی با موجودات مقدس موجب چیرگی هر چه بیشتر اهداف غایی می‌شود. دیویس ادامه می‌دهد که «کمک دین به یکپارچگی اجتماعی منحصر به فرد و غیر قابل چشم‌پوشی است» (دیویس، ۱۹۶۴: ۵۲۶-۵۲۹).

از نظر دیویس، دین، به عنوان یک «قلمرو ماوراء طبیعی»^۴ برای ایجاد «پندار جبرگرایی اخلاقی»^۵ ضروری است. این نیروی اخلاقی فرد را وادار می‌کند بر اساس ارزش‌های اجتماعی رفتار کند. به علاوه، معمولاً اهداف اجتماعی بعضی از مردم را خشنود نمی‌سازد یا آنان قادر نیستند به صورت برابری بدان‌ها دست یابند. از این رو جامعه اهداف متعالی را، که برای همه افراد، با هر منزلت اجتماعی این دنیایی، دست‌یافتنی است، ایجاد کرده است تا ناکامی‌های این جهان آنان را جبران کند و

¹ Human Society

² Ultimate values

³ Organic desires

⁴ A supernatural realm

⁵ Illusion of moral determinism

ناخشنودی و افسردگی آنان را کاهش دهد (همان، ۵۲۹-۵۳۳). بنابراین، با آن که دیویس بر کارکردهای اجتماعی دین تأکید دارد، کارکردهای روان‌شناختی آن را هم مورد توجه قرار داده است. نظریه‌پردازان بعدی کارکردگرا، مثل بینگر، از دیویس بسیار فراتر رفته و رویکرد روانی-اجتماعی کارکردگرا را مطرح ساختند. بر طبق این رویکرد، دین از یک طرف محصول ابعاد و نیازهای روان‌شناختی انسان است و از طرف دیگر پدیده‌ای است که دارای کارکردهایی برای نظم و ثبات اجتماعی است (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

بینگر می‌گوید برای حل «مسایل غایی»^۱ زندگی انسان مثل ناکامی، رنج، عدم اطمینان^۲، به‌خصوص مرگ، مردم به ارزش‌های متعالی نیاز دارند. ایده فلاح و رستگاری که به وسیله ادیان مطرح شده است راه‌حلی است برای «مسایل غایی». با آن که این مسایل برخاسته از خصوصیات روان‌شناختی افراد هستند، به نوعی با مسایل اجتماعی هم ارتباط پیدا می‌کنند زیرا حل نشدن آن‌ها موجب از هم گسیختگی‌های اجتماعی هم می‌شوند. بنابراین، دین، که «مسایل غایی» زندگی انسان را حل کرده و از نظم اخلاقی جامعه حمایت می‌کند، هم نیازهای فردی و هم نیازهای اجتماعی را تأمین می‌نماید (همیلتون، ۱۹۹۵: ۲۰۷-۲۰۸).

در مجموع، بر طبق رویکرد کارکردگرا، دین جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند. دین هم‌چنین به نظم اجتماعی رسمیت و اعتبار می‌بخشد و در نتیجه مبنایی برای کنترل اجتماعی فراهم می‌آورد. از این رو، با تمسک به استدلال‌های فوق درباره کارکرد دین، می‌توان نتیجه گرفت که دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی، و

¹ Ultimate problems

² Uncertainty

تقویت الزام‌های اخلاقی درونی‌شده، به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند (تایتل و ولش، ۱۹۸۳: ۵۶۶-۵۶۷).

ب) رویکرد وبری به رابطه دین و نظم اجتماعی

وبر کمتر به تبیین دین به عنوان یک پدیده کلی توجه می‌کند، بلکه نظر او بیشتر معطوف به اثر انواع باورهای دینی بر زندگی اجتماعی است. او دیدگاه خاصی در مورد ماهیت دین و نوع توجهات دینی بر زندگی در ارتباط با دین مطرح می‌کند. این دیدگاه، که هم عناصر روان‌شناختی و هم عناصر جامعه‌شناختی را مورد توجه قرار می‌دهد، منشاء نظریه‌های جدید دین است که با تأکید بر معنا دارند و رویداد کارکردگرا نسبت به دین را تعدیل می‌کنند (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۳۹). برای وبر مفهوم نظم ماوراء طبیعی^۱، که در همه جوامع شناخته شده وجود دارد، جزء اصلی دین است. او می‌خواهد اهمیت تکوین و توسعه مفهوم نظم ماوراء طبیعی برای تغییرات اجتماعی تدریجی ولی بنیادی در جامعه را برای استقرار یک نظم جدید اجتماعی نشان دهد (پارسونز، ۱۹۶۵: مقدمه).

از نظر وبر دین با یک نیاز روان‌شناختی، یعنی جستجوی انسان برای معنی، تبیین می‌شود. او دین را هم منشاء ثبات و نظم و هم منشاء تغییر می‌داند. دین به حفظ نظم کمک می‌کند زیرا احساس پوچی و خواهش‌های غریزی انسان را مهار می‌کند. با وجود این، دین یکی از منابع تغییر اجتماعی هم هست زیرا پیامبران و قدیسان دارای نفوذ فرهنگدانه‌ای هستند که پیروان آن را مربوط به دنیای ماوراء طبیعی می‌دانند.

در ارتباط با موضوع این مقاله، یعنی بررسی رابطه دین و احساس آنومی و کجروی، رویکرد وبری به دین با اهمیت به نظر می‌رسد. زیرا اولاً رویکرد وبر، به طور کلی، دلالت بر آن دارد که دینداران که احتمال کنترل مؤثرتر خواهش‌های غریزی‌شان

¹ Supernatural order

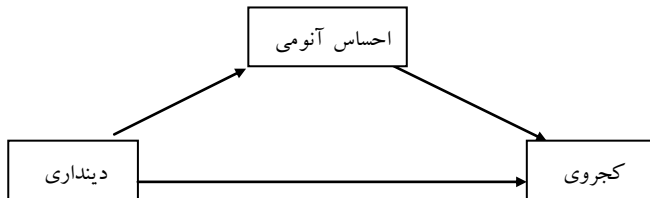
بیشتر است و کمتر محتمل است که از احساس پوچی در رنج باشند، قوانین را کمتر نقض می‌کنند و رفتار انحرافی کمتری مرتکب می‌شوند. با وجود این، چون دین که به دنبال رستگاری است، منبع دگرگونی اجتماعی هم در نظر گرفته شده است، امکان دارد که در بعضی از موقعیت‌ها دینداران دست کم برخی از قوانین نظام مسلط را زیر پا بگذارند.

در نهایت باید گفت، با آن که همه ادیان دارای نوعی نظام اخلاقی و زهدگرایی هستند، چون گروه‌های اجتماعی و جوامع مختلف دارای سطوح متفاوتی از اخلاق زاهدانه و احساسات دینی هستند، اثر دینداری بر مجرمیت در بین گروه‌ها و جوامع متفاوت خواهد بود. در نتیجه برای ارزیابی اثر دینداری بر جرم در هر دین خاص، محتوای آن دین و تعبیر و تفسیرهای گروه‌های مختلف از آن دین را باید مورد توجه قرار داد. از این نظر هم تحلیل دورکیم و هم تحلیل وبر گویای آن است که ادیانی که بر فردگرایی تأکید بیشتری دارند در کنترل جرم توانایی کمتری از خود بروز می‌دهند. سرانجام این که بر اساس تحلیل وبر از دین، صرف‌نظر از سطح عقلانیت جامعه، نیاز روان‌شناختی به معنا بخشیدن به هستی همواره با انسان است. در نتیجه، وبر، بر خلاف دورکیم، معتقد به پایان کار دین در عصر جدید نیست. بنابراین، تحلیل او دلالت بر آن دارد که رابطه معکوس بین دینداری و بزهکاری می‌تواند در جامعه جدید هم معتبر باشد.

در مجموع باید گفت، نظریه‌های کارکردی در جامعه‌شناسی دین و رویکرد وبری در تبیین نقش دین در نظم اجتماعی، دلالت‌های مهمی در مورد کارکرد دین در ارتباط با نظم اجتماعی دارد. این دلالت‌ها در یک الگوی علی به عنوان الگوی نظری این مطالعه در ادامه تشریح و تحلیل شده است.

الگوی نظری مطالعه

در مجموع می توان رابطه دینداری با آنومی و کجروی را در الگویی مفهومی با استنتاج از نظریه های کارکردگرایانه دورکیم، براون، دیویس، بینگر و دیدگاه معناگرای ویر که در قسمت بالا بدان اشاره شد به شرح زیر ترسیم نمود. براساس استنتاج حاصل از نظریه های مورد اشاره، تقید به دین یا همان دینداری می تواند موجب کاهش احساس آنومی در افراد و در نهایت کاهش پتانسیل رفتار کجروانه شود. از سوی دیگر، میزان بالاتر دینداری از طریق متغیرهای دیگری که در این مطالعه بررسی نمی شوند هم بر کنترل کجروی تأثیر دارد. در نتیجه، این بخش از اثر دینداری بر کنترل کجروی به صورت رابطه مستقیم دینداری و کجروی ملاحظه خواهد شد.



شکل ۱. الگوی مفهومی ارتباط بین متغیرهای تحقیق

۳. دین و نظم اجتماعی در پژوهش های تجربی

۳.۱. پژوهش های غربی

آنچه مسلم است، اشاره به مجموعه کاملی از تکاپوهای علمی که صرف بررسی رابطه میان دینداری و کجروی گردیده در این جا ممکن نیست. اما در هر حال لازم است تا تصویری به صورت نمونه ای گویا از این تلاش ها در قالب مروری بر تجارب علمی مشابه در این باب به دست داده شود. آنچه در مورد رابطه دینداری، نظم و کنترل

اجتماعی وجود دارد، به‌طور ویژه‌ای در بسیاری موارد متوجه بررسی رابطه دین و کجروی، بزهکاری، مجرمیت و مفاهیم مشابه است.

یکی از این نمونه کارها متعلق به الیفسان و پترسن (۱۹۸۳) است. آن‌ها در پژوهش خود نتایج متناقضی را که در باب رابطه میان دینداری و بزهکاری وجود دارد بررسی کرده‌اند. داده‌های تحقیق مبتنی بر مصاحبه با ۶۰۰ نوجوان مدارس دولتی در آتلانتای آمریکا بوده است. مقیاس‌های متنوعی برای دینداری و بزهکاری مورد استفاده قرار گرفتند تا امکان بررسی جامعی در مورد رابطه میان این دو مفهوم به وجود آید. بر اساس یافته‌های این تحقیق، اهمیت دین برای فرد، و راست‌گویی بیشترین رابطه را با بزهکاری در مقایسه با «گرایش به کلیسا»، یعنی متغیری که اغلب بیش از همه مورد استفاده قرار می‌گیرد، نشان می‌دهند. مهم‌تر این که به رغم رابطه نسبتاً قوی میان میزان دینداری و بزهکاری، در یک زمینه اجتماعی متنوع، سهم دین به عنوان یک متغیر مستقل قابل ملاحظه نیست.

علاوه بر این، بندا (۱۹۹۵) در پژوهش خود، که جامعه آماری آن را ۱۰۹۳ نوجوان دبیرستانی آرکانزاس تشکیل دادند، به نتایجی مشابه با نتایج بالا دست یافته است. پژوهش بندا، این فرضیه را که دینداری بر رفتارهای مغایر با زهدگرایی^۱ تأثیر بیشتری دارد تا بر رفتارهای مجرمانه، تأیید نمی‌کند. هم‌چنین، مطالعه یادشده این فرضیه را که «دینداری یک عامل مقدم است که اثراتی دارد که کاملاً از طریق عناصر بی‌واسطه دیگر کنترل اجتماعی، عمل می‌کنند» تأیید نمی‌کند.

با توجه به تحقیقات فراوانی که درباره رابطه دینداری و بزهکاری انجام شده است، برخی از پژوهش‌ها با روش تحلیل پژوهش‌های پیشین به بررسی رابطه دین و بزهکاری

¹ Anti ascetic

پرداخته‌اند. به عنوان مثال، جانسون، دی لی، لارسن و مک کالوف (۲۰۰۰) با بررسی منظم^۱ پژوهش‌های پیشین پرداختند که نتایج آن‌ها برخلاف نظر برخی از پژوهش‌گران، غیرمتجانس یا ناهماهنگ نیست. سنجه‌های دینی عموماً به طور معکوس با کجروی در ارتباط هستند و این به ویژه در میان بیشتر مطالعات دقیق صادق است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آینده پژوهش در باب بزهکاری ممکن است قدرت تبیینی مناسبی را به وسیله ترکیب متغیرهای دینی در الگوهای نظری مربوط به آن، بیابد.

مشابه با کار جانسون و همکارانش، بایر و رایت (۲۰۰۱) نیز به فراتحلیل ۶۰ مطالعه در باب رابطه دینداری و بزهکاری پرداخته‌اند. آن‌ها در پی پاسخ به دو پرسش اساسی بودند. نخست این که جهت و شدت تأثیر دین بر جرم چگونه است؟ و دوم این که، چرا مطالعات پیشین تا این حد در مورد تخمین چنین رابطه‌ای دارای تنوع و پراکندگی‌اند؟ نتایج این فراتحلیل نشان می‌دهد که عقاید و رفتارهای دینی تأثیر متعادل‌کننده و بازدارنده‌ای بر رفتار مجرمانه فرد دارند. علاوه بر این، مطالعات پیشین به‌طور منظم در برآورد اثر دین بر ارتکاب جرم تنوع داشته‌اند که این مسئله در نتیجه تفاوت، هم در رهیافت‌های مفهومی و هم در رهیافت‌های روش‌شناسانه بوده است. در واقع فراتحلیل بایر و رایت نیز مانند کار جانسون و همکارانش، مؤید رابطه معکوس دینداری و بزهکاری و رفتار مجرمانه است.

در مطالعه دیگری جانسون با همکاری جون جانگ و لارسن و دلی (۲۰۰۱) به بررسی دوباره نقش دینداری در علت‌کاوی بزهکاری پرداخت. در این مطالعه آن‌ها شواهد ناهماهنگ و غیر قطعی‌ای را در ادبیات تجربی مورد بررسی می‌یابند. در پژوهش دیگری که ویتن (۲۰۰۵) بر اساس یک نمونه از نوجوانان ۱۷-۱۳ ساله در پیمایش ملی جوانان آمریکا انجام داد رابطه متقابل میان دین، قومیت و شهرنشینی و اثر

¹ Systematic Review

آن‌ها بر بزهکاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از اثر مستقیم دینداری بر همه انواع جرایم است. بر این اساس دینداری، در مقایسه با سایر عوامل، اثر بیشتری بر رفتار بزهکارانه دارد. اخیراً هم پری (۲۰۰۷) مطالعه‌ای انجام داد که در آن رابطه میان انواع مختلفی از سنجه‌های دینداری مانند جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی، راست‌کیشی مسیحی و تجربه دینی و نیز رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان شامل مصرف مواد مخدر، الکل و تنباکو، بزهکاری، افسردگی و تلاش برای خودکشی مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه رابطه معکوس میان این رفتارهای مخاطره‌آمیز و دین را به واسطه افسردگی تأیید می‌کند.

۳.۲. پژوهش‌های داخلی

سراج‌زاده (۱۹۹۸) در پژوهشی، به بررسی رابطه دینداری با بزهکاری پرداخته است. در این مطالعه متغیرهای کنترل اجتماعی هیرشی به عنوان متغیرهای واسط در الگوی فرضیه‌ای وارد شده‌اند. جمعیت آماری این تحقیق دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران بود. بر اساس نتایج این تحقیق، دینداری با بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس دارد، به گونه‌ای که هرچه میانگین دینداری نوجوانان بالاتر باشد، میزان بزهکاری آنان کمتر است. در مطالعه مشابهی طالبان (۱۳۷۸) با هدف بررسی ارتباط دینداری و بزهکاری در میان نوجوانان دانش‌آموز، ۳۸۴ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی را مورد مطالعه قرار داد. این گروه با روش نمونه‌گیری تصادفی نسبی انتخاب شده بود. در این پژوهش برای سنجش دینداری از سنجه گلاک و استارک همراه با اصلاحاتی به اقتضای موضوع تحقیق استفاده شده است. ابزار دیگر این پژوهش شامل پرسش‌نامه اندازه‌گیری بزهکاری است که توسط سراج‌زاده تهیه و تنظیم شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در میان دو فریضه مهم نماز و روزه، که بعد مناسبی را

ساخته بودند، نماز به مراتب بیش از روزه بر کاهش بزهکاری جوانان جمعیت نمونه تحقیق مؤثر بود (طالبان، ۱۳۷۸).

در مجموع هم پژوهش‌های خارجی و هم پژوهش‌های داخلی اثر بازدارنده دینداری بر کجروی و بزهکاری را به صورت رابطه مستقیم یا غیر مستقیم تأیید می‌کنند؛ هر چند که این تحقیقات در جزئیات تفاوت‌هایی را بروز می‌دهند. با وجود این در تحقیقات مورد بررسی، پژوهشی که رابطه دینداری بر کجروی را با واسطه متغیر احساس آنومی بررسی کرده باشد ملاحظه نشد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

به اقتضای موضوع که روابط متغیرها را در سطح فردی بررسی می‌کند، نوع مطالعه کمی است و به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه انجام شده است. مفاهیم اصلی پژوهش به شرح زیر تعریف و سنجیده می‌شوند.

۴.۱. تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم پژوهش

احساس آنومی (بی‌هنجاری): منظور از آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند با قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند؛ در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳). در این پژوهش نگرش افراد نسبت به میزان وجود نابه‌سامانی اجتماعی با استفاده از ۷ معرف بررسی شده است. هدف از این کار سنجش این امر است که جوانان تا چه اندازه شرایط جامعه را آشفته و نابه‌سامان احساس می‌کنند. در نتیجه این سنجش احساس آنومیک بودن جامعه از نظر افراد را می‌سنجد و نه واقعیت آنومیک بودن جامعه را.

برای تعریف عملیاتی متغیر احساس آنومی در این مطالعه از گویه‌های به کار رفته در طرح «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان» استفاده شده است (سراج‌زاده و جواهری،

۱۳۸۲). بر این اساس، ۷ گویه برای سنجش آنومی در نظر گرفته شده است. این مقیاس به صورت طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد. برای آزمون پایایی مقیاس احساس آنومی ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۷۵ بوده و نشانگر پایایی مناسب مقیاس است.

کجروی: منظور از کجروی عمل یا رفتاری است که به نوعی ناقض هنجارهای رسمی یا غیررسمی جامعه باشد. برای تعریف عملیاتی کجروی، همانند پژوهش‌های عمده‌ای که در باب کجروی جوانان در کشور انجام گرفته و به ویژه پژوهش سراج زاده (۱۳۷۵) و طالبان (۱۳۷۸) که از سنجه‌های تقریباً همسانی برای سنجش کجروی بهره برده‌اند، از سنجه خود گزارشی^۱ استفاده شد. تعریف عملیاتی این مفهوم مشتمل بر ابعادی چون پرخاشگری، مصرف مواد مخدر، دزدی، تخریب، کجروی جنسی و کجروی فرهنگی است. کجروی فرهنگی ناظر به آن رفتاری است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی و اسلامی ناپسند و جرم به حساب می‌آید؛ مانند عدم رعایت پوشش اسلامی و استفاده از فیلم‌ها و موسیقی‌های غیرمجاز. هم‌چنین باید افزود که عبارت‌های سنجه کجروی (به‌استثنای کجروی فرهنگی) که سراج‌زاده و طالبان در پژوهش‌های خود به کار برده‌اند و ما عیناً در این جا مورد استفاده قرار می‌دهیم، از میان عبارت‌های مقیاس خود گزارشی شرت و نی (۱۹۵۸)، به نقل از سراج‌زاده، (۱۳۸۳ الف) و مقیاس جامع تری به نام ابزار خود گزارشی سیتل^۲ انتخاب شدند. در نهایت با تلخیص مقیاس مورد استفاده سراج‌زاده و طالبان گویه‌های مورد استفاده آنان به ۱۱ گویه تقلیل یافت. ۱۰ گویه از این ۱۱ گویه با طیف پنج درجه‌ای لیکرت و یک گویه نیز با دو گزینه بلی/ خیر تدوین شده است.

^۱ Self-report

^۲ Seattle

دینداری: دینداری، یعنی داشتن «اهتمام دینی» به نحوی که نگرش، گرایش و کنش های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶). به بیان دیگر، اگر بخواهیم تعریفی را از دینداری برگزینیم که بیشتر با مطالعه حاضر انطباق داشته باشد، می‌توان دینداری را «شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی» تعریف کرد (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵: ۱۳).

برای تعریف عملیاتی دینداری در این مطالعه از الگوی اصلاح شده گلاک و استارک استفاده شده است. تعریف عملیاتی دینداری در الگوی گلاک و استارک شامل پنج بعد (باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها) است. بعد اعتقادی^۱ باورهایی را دربر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی^۲ یا عمل دینی، اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به جا آورند، در برمی‌گیرد.

بعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی هم‌چون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی، شامل توجه، شناخت، اعتقاد یا ایمان، و ترس را در برمی‌گرفت. بعد فکری^۳ یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتاب‌های مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند، شامل می‌شود. و نهایتاً بعد پیامدی^۴ یا آثار

¹ Ideological

² Ritualistic

³ Intellectual

⁴ Consequential

گرایش‌های دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳ب: ۶۲-۶۵؛ ۱۶۵-۱۷۳). این ابعاد به طور خلاصه در جدول ۱ آمده است.

با توجه به برخی ملاحظات، از جمله وجود آموزش‌های رسمی دینی در ایران بعد از دانش دینی از مجموعه پنج بعد دینداری در الگوی گلاک و استارک حذف شده است. بنابراین، چهار بعد از پنج بعد الگوی گلاک و استارک برای تعریف عملیاتی در این مدل در نظر گرفته شد و از گویه‌های مورد استفاده در مطالعه سراج‌زاده استفاده شده است^۱ (سراج‌زاده، ۱۳۸۳ب: ۱۶۵-۱۷۳).

جدول ۱. ابعاد دینداری در مدل سنجش گلاک و استارک

باورهای پایه‌ای مسلم	اعتقادی	دینداری
باورهای غایت‌مدار		
باورهای زمینه‌ساز		
عبادت	مناسکی	
نماز		
روزه		
شرکت در آیین‌های مقدس خاص	تجربی (عواطف دینی)	
توجه		
شناخت		
ایمان		
ترس	پیامدی	
پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره		

^۱ گویه‌های سنج‌های مورد استفاده در این پژوهش در جدول پیوست مقاله آمده است.

۴. جمعیت و نمونه

جمعیت آماری تحقیق، کلیه دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان است. این دانشگاه دارای ۱۹۲۸ دانشجوی خوابگاهی (تا پایان سال تحصیلی ۸۶-۸۵) است. از آنجا که دانشجویان دانشگاه سمنان از شهرهای مختلف کشور هستند، بنابراین جمعیت آماری در این مطالعه تجربی، از گوناگونی مناسبی برخوردار است. برای محاسبه حجم نمونه، از فرمول اصلاح شده کوکران استفاده شده است.

با توجه به آن که در این مطالعه برآوردی از واریانس جمعیت نمونه در دست نبود، بر اساس بیشترین پراکندگی صفات مورد مطالعه با فرض دو ارزشی بودن $(p=0.5)$ و $(Q=0.5)$ در نظر گرفته شد. هم چنین احتمال خطای نمونه گیری کمتر از پنج درصد، و دقت احتمالی (d) هم پنج درصد در نظر گرفته شد. با این مفروضات حجم نمونه ۳۲۰ نفر برآورد شد^۱ که با پیش بینی ریزش احتمالی نمونه حدود ۱۰ درصد به حجم نمونه افزوده شد و حجم نمونه به ۳۵۲ نفر افزایش یافت.

برای انتخاب افراد نمونه از روش خوشه‌ای استفاده شد. دانشگاه سمنان دارای ۷ خوابگاه دانشجویی است که به عنوان ۷ خوشه در نظر گرفته شدند و افراد نمونه در این خوشه‌ها به طور تصادفی و به روش گزینش نظام مند انتخاب شدند. از کل ۱۹۲۸ نفر جمعیت آماری، ۹۴۴ نفر پسر (۴۸/۹۶ درصد جمعیت نمونه) و ۹۸۴ نفر دختر (۵۱/۰۴ درصد جمعیت نمونه) بودند. حجم نمونه در هر خوابگاه متناسب با جمعیت آن خوابگاه بود.

$$n = \frac{1928 \cdot 1.96 \times 0.5^2}{1928 \cdot 0.03^2 + 1.96 \times 0.5^2} = 320$$

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} \quad \infty$$

۴. اعتبار و پایایی

از آن جا که مقیاس کجروی مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از پژوهش‌های معتبری بود که در جای خود از آزمون‌های اعتبار بهره برده بودند، برای سنجش اعتبار آن، آزمون دوباره‌ای انجام نشد. برای آزمون پایایی مقیاس کجروی ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. بر این اساس، آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس کجروی برابر با ۰/۷۷ بوده که در حد مناسبی است.

برای آزمون پایایی مقیاس احساس آنومی نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای احساس آنومی برابر با ۰/۷۵ بوده که باز هم نشانگر پایایی مناسب مقیاس است.

از نظر اعتبار و پایایی، سنجۀ گلاک و استارک از حدود ۱۰ سال قبل (۱۳۷۷) بارها توسط پژوهش‌گران مختلف مورد استفاده قرار گرفته است و بر اساس گزارش تمامی پژوهش‌ها دارای اعتبار و پایایی بالایی بوده است (ر.ک. کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵). پایایی این سنجه هم با دو روش محاسبه ضریب هم‌سازی درونی (آلفای کرونباخ) و آزمون دو نیمه‌سازی مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل سنجه گلاک و استارک ۰/۹۰ به دست آمده که نشان‌دهندۀ پایایی بسیار بالای این مقیاس است. هم‌چنین ضرایب آلفای کرونباخ برای بعد اعتقادی ۰/۸۱، برای بعد تجربی ۰/۷۱، بعد پیامدی ۰/۷۳ و در نهایت برای بعد مناسکی ۰/۸۱ است که نشان‌دهندۀ پایایی بالای ابزار است!

^۱ در یک پژوهش جدید، اعتبار و پایایی سنجۀ دینداری گلاک و استارک با دو سنجۀ ایرانی دینداری مقایسه شد و قابلیت بالایی در مقایسه با دو سنجۀ دیگر نشان داد (ر.ک. پویافر، ۱۳۸۶؛ سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷).

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. ویژگی‌های جمعیت نمونه

از نمونه مورد مطالعه که شامل ۳۲۶ نفر بوده است، ۴۹/۱ درصد مرد و ۵۰/۹ درصد زن بوده‌اند. این نسبت جنسیتی در نمونه مورد مطالعه با نسبت جنسیتی جمعیت آماری پژوهش نیز که شامل ۹۴۴ نفر پسر (۴۸/۹۶ درصد جمعیت نمونه) و ۹۸۴ نفر دختر (۵۱/۰۴ درصد جمعیت نمونه) بود نیز تقریباً برابر است. از نظر توزیع سنی، بیشترین فراوانی نمونه مورد مطالعه متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال است که ۵۲/۱ درصد از نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، تنها ۶/۹ درصد آنان ۲۵ سال و بالاتر هستند و ۴۱ درصد بقیه بین ۲۱ تا ۲۴ سال سن داشتند.

هم‌چنین از لحاظ وضعیت تأهل، ۹۵/۷ درصد مجرد و ۳/۱ نیز متأهل بودند. در نهایت در مورد توزیع جمعیتی نمونه نسبت به مقطع تحصیلی نیز باید گفت ۸۹ درصد از آنان در مقطع کارشناسی بوده و تنها ۲/۸ درصد در مقطع کاردانی در حال تحصیل بوده‌اند. علاوه بر این، ۷/۴ درصد نیز در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کرده‌اند.

۵.۲. یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

احساس آنومی: در بازه نمرات ۷ تا ۳۵ که حداقل و حداکثر نمرات احساس آنومی است، میانگین و میانه آنومی به ترتیب ۲۲/۱۲ و ۲۲ است که نشان‌دهنده شاخص بالاتر از حد متوسط (۱۷/۵) احساس آنومی در جمعیت مورد مطالعه است. با بررسی توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سطوح مختلف آنومی می‌توان تصویر بهتری از میزان احساس آنومی پاسخ‌گویان داشت. بر اساس یافته‌های تحقیق، ۲۰/۳ درصد دارای احساس آنومی در سطح پایین، ۶۶/۳ درصد در سطح متوسط و ۲۸/۸ درصد نیز دارای احساس آنومی سطح بالا هستند. با فرض تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این نتیجه نشان‌دهنده نگران‌کننده بودن میزان احساس آنومی در بین دانشجویان جوان مورد مطالعه می‌باشد

که بررسی زمینه‌ها، عوامل و پی‌آمدهای آن مستلزم پژوهش‌های بیشتر است. با وجود این، بررسی نظر پاسخ‌گویان درباره گویه‌های احساس آنومی نشان می‌دهد در حالی که باور دانشجویان به جنبه‌های مربوط به اعتماد اجتماعی و نیز اعتماد سیاسی پایین است وفاداری ابرازی آن‌ها به هنجارهای عام اخلاقی و قانونی بالا می‌باشد (ر.ک. جدول ۲ پیوست).

جدول ۲. میانگین نمرات مقیاس‌های احساس آنومی و کجروی

نمره کجروی (۱۱ گک ۵۲)	نمره احساس آنومی (۳۵ گک ۷)		
۳۲۶	۳۲۱	معتبر	تعداد نمونه
۰	۵	گم شده	
۱۶/۴۰	۲۲/۱۲	میانگین	
۱۶/۰۰	۲۲/۰۰	میانه	
۴/۶۳	۵/۰۳	انحراف معیار	

جدول ۳. توزیع جمعیت نمونه بر اساس نمرات احساس آنومی و کجروی

نمره کجروی (۱۱ گک ۵۲)		نمره احساس آنومی (۳۵ گک ۷)		سطوح احساس آنومی و کجروی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
درصد ۹۷/۲	۳۱۷	درصد ۲۰/۳	۶۶	سطح پایین
درصد ۲/۱	۷	درصد ۵۰/۹	۱۶۶	متوسط
درصد ۰/۰	۰	درصد ۲۸/۸	۹۴	بالا

کجروی: میانگین و میانه نمرات کجروی پاسخ‌گویان به ترتیب ۱۶/۴۰ و ۱۶ است که با در نظر گرفتن حداکثر و حداقل شاخص کجروی در این مطالعه (۱۱ و ۵۲) مشخص می‌شود. در نتیجه میزان کجروی در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان در

یک سوم پایینی مقیاس قرار دارد. توزیع فراوانی پاسخ گویان در مقوله‌های بالا، متوسط و پایین کجروی نیز نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق پاسخ گویان (۹۷ درصد) در سطح پایینی از ارتکاب کجروی طبقه‌بندی شده‌اند. مقایسه توزیع فراوانی پاسخ گویان در هر یک از گویه‌های سنجه کجروی می‌تواند تصویر دقیق تری از وضعیت آنان ارائه کند (ر.ک. جدول ۳ پیوست).

دینداری: برای فراهم آمدن امکان مقایسه بهتر نمرات دینداری، این نمرات همگی در محدوده بین ۱ تا ۵ محاسبه شده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۴ آمده است، میانگین نمره کل دینداری $3/73$ است. با در نظر گرفتن میانگین نمرات ۳ برای سطح متوسط و میانگین ۴ برای سطح بالا، می‌توان گفت که میزان دینداری جمعیت نمونه در سطحی متوسط به بالا قرار دارد.

از چهار بعدی که بر اساس بنیان نظری سنجه گلاک و استارک برای تعریف عملیاتی دینداری در نظر گرفته شده است، دو بعد اعتقادی و تجربی میانگینی بالاتر از نمره کل دینداری دارند و دو بعد دیگر، یعنی بعد پیامدی و بعد مناسکی، دارای میانگین پایین تر از نمره کل دینداری هستند. بیشترین میانگین به ترتیب متعلق به بعد اعتقادی و تجربی است ($4/41$ و $4/28$) و در مقابل، بعد مناسکی و پیامدی به ترتیب کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند ($3/02$ و $3/22$). این یافته با شهود تجربی ما در جامعه دانشجویی به طور خاص و در کل جامعه ایران به‌طور عام هم‌خوانی دارد و با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌همانگ است (به عنوان نمونه سراج‌زاده، ۱۳۸۳). چرا که اصولاً بعد اعتقادی ناظر به باورهایی مثل اعتقاد به خدا، حقانیت پیامبر، قرآن و نیز روز قیامت و زندگی پس از مرگ و بعد تجربی ناظر به عواطف و احساساتی مثل ترس از خدا و حس معنویت و مانند آن است که این‌ها در ساختار روانی بشر و در جوامع بشری عمیق و ریشه‌دار است. اما ابعاد ناظر به شرکت در مناسک، به‌خصوص مناسک

جمعی و یا کاربرد آموزه‌های دینی در زندگی عملی روزمره، همواره شیوع کمتری داشته و مناقشه برانگیز هم بوده است.

جدول ۴. میانگین نمرات دینداری کل و ابعاد آن

انحراف معیار	میانگین	بعد دینداری
۰/۵۸	۳/۸۳	دینداری کل
۰/۶۲	۴/۴۱	اعتقادی
۰/۶۰	۴/۲۸	تجربی
۰/۸۶	۳/۲۲	پیامدی
۰/۷۴	۳/۰۲	مناسکی

۵. رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی

دینداری و احساس آنومی: به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دینداری کل با احساس آنومی رابطه معکوسی در حد متوسط دارد (ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۴۶- است). بنابراین هرچه دینداری فرد بالاتر باشد، احساس آنومی در او کمتر است. در مورد رابطه بین میزان دینداری و احساس آنومی باید متذکر شد که اگرچه میزان احساس آنومی نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط به بالا و میزان کجروی آنان در سطح پایینی قرار دارد، اما این دو یافته متفاوت، هیچ تناقضی با همبستگی قابل توجه منفی بین دو متغیر میزان دینداری و میزان احساس آنومی ندارد؛ چرا که اساساً میزان یک صفت مورد بررسی در یک نمونه مورد مطالعه، به سطح توصیف برمی‌گردد و رابطه همبستگی یا هم‌تغییری بین دو متغیر، به سطح تبیین. بنابراین، آنچه در این جا مورد توجه و اهمیت است، شدت و جهت این هم‌تغییری بین متغیرهای مورد بررسی است.

از میان ابعاد چهارگانه دینداری در سنجه گلاک و استارک، هر چهار بعد با احساس آنومی رابطه منفی معناداری دارند. قوی ترین رابطه دینداری با احساس آنومی مربوط به ابعاد پیامدی و مناسکی است که ضریب همبستگی پیرسون آن‌ها به ترتیب ۰/۵۱- و ۰/۴۰- است. در مقابل ضعیف ترین رابطه آنومی با ابعاد تجربی و اعتقادی است که ضریب همبستگی پیرسون بین آن‌ها به ترتیب ۰/۲۷- و ۰/۲۸- است. این یافته نشان می دهد که ابعاد عملی دینداری نسبت به ابعاد اعتقادی و تجربی دینداری، در ارتباط معکوس قوی تری با میزان احساس آنومی قرار دارند. به عبارت دیگر، هرچه باورها و تجربیات دینی در کنش و جنبه های عملی زندگی فرد نمود عینی یابد، اثر بازدارندگی بیشتری بر احساس آنومی فرد دارند. در واقع، در مقابل عمومیت باورها و اعتقادات دینی، جنبه های عملی دینداری و تقید به احکام شریعت و به جا آوردن مناسک، نمودهای خاص تری از دینداری هستند که می توانند با ایجاد تعهد بیشتر فرد به چارچوب های اخلاقی دین مدار، او را از ارتکاب به کجروی بازدارند.

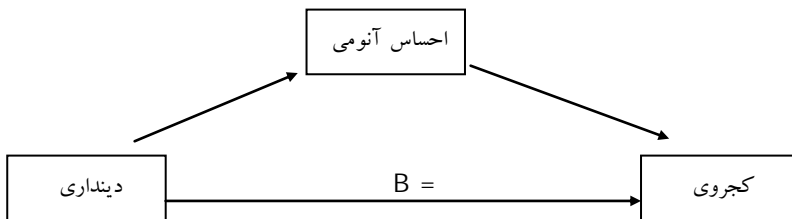
جدول ۵. ضرایب همبستگی دینداری با آنومی و کجروی

کجروی		احساس آنومی		ابعاد
سطح معناداری	همبستگی	سطح معناداری	همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۶	دینداری
۰/۰۰۰	-۰/۳۳	۰/۰۰۰	-۰/۲۸	بعد اعتقادی
۰/۰۰۰	-۰/۳۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۷	بعد تجربی
۰/۰۰۰	-۰/۴۵	۰/۰۰۰	-۰/۵۱	بعد پیامدی
۰/۰۰۰	-۰/۳۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۰	بعد مناسکی

دینداری و کجروی: جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که رابطه همبستگی کجروی با دینداری کل، همانند رابطه آن با آنومی در حد متوسط ($r = 0/43$) است. وقتی از سطح رابطه کجروی با دینداری به سطح رابطه میان کجروی با ابعاد دینداری برویم، نتایج جالب توجهی مشاهده می‌شود. هر چهار بعد دینداری در سنجۀ گلاک و استارک روابط منفی معناداری با کجروی دارند. به مانند رابطه با احساس آنومی، رابطه بعد پیامدی با کجروی بیشتر از بقیه ابعاد است ($r = -0/45$)، اما شدت رابطه سه بعد دیگر تقریباً به یک اندازه است ($0/31$ - تا $0/33$ -). در این جا نیز به مانند رابطه بین کجروی و دینداری مشاهده می‌شود که بعد پیامدی دینداری که به‌طور ویژه نشان‌دهندۀ میزان تقید فرد به رعایت بایدها و نبایدها در حوزه شریعت است، بیشترین اثر بازدارنده را بر بروز کنش کجروانه دارد. در مقابل، مشاهده می‌شود که رابطه بین بعد مناسکی دینداری با بروز کجروی در سطح رابطه سایر ابعاد دینداری با کجروی است. این در حالی است که رابطه بین بعد مناسکی دینداری با آنومی به همراه بعد پیامدی، قوی‌ترین رابطه معکوس را با میزان احساس آنومی نشان داده است. در تبیین این مسئله می‌توان گفت، به جا آوردن مناسک دینی، به سهم خود می‌تواند موجب کاهش احساس تناقض درونی فرد نسبت به هنجارهای موجود در اطراف او شود و به نوعی با ایجاد تقید به انجام یکسری مناسک منظم و گاه روزانه، به حرکت زندگی روزمره او - حتی اگر شده، به صورتی قالبی - جهت دهد. این اثر احتمالی قوی، ممکن است در ارتباط با بازدارندگی فرد از ارتکاب به اعمال کجروانه و انحرافی به شدت بازدارندگی از احساس آنومی نباشد؛ چرا که تقید فرد به رعایت قواعد حلال و حرام در دین، بیشتر از انجام صرف و بدون تأثیرگذاری مناسک دینی می‌تواند مانع بروز کجروی از سوی او شود.

تحلیل الگوی نظری تحقیق

همان‌طور که پیش از این در چارچوب نظری مطالعه اشاره شد، الگوی نظری این تحقیق دربردارندهٔ رابطه بین سه متغیر مورد بررسی است. برای آن که اثر دینداری و احساس آنومی بر کجروی با کنترل اثر هر کدام و نیز اثر مستقیم و غیرمستقیم دینداری بر کجروی بررسی شود، از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شد. همان‌طور که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود، اثر مستقیم (بتا) دینداری و احساس آنومی، با کنترل هر کدام از دو متغیر برای دیگری، به ترتیب $۰/۳۶-$ و $۰/۱۶$ است. بنابراین اثر مستقیم بازدارندهٔ دینداری بر کجروی حدوداً بیش از دو برابر احساس آنومی است. هم‌چنین اثر غیرمستقیم دینداری بر کجروی از طریق احساس آنومی $۰/۰۷$ ^۱ محاسبه شده است. بنابراین اثر بازدارندهٔ مستقیم و غیرمستقیم دینداری بر احساس آنومی حدود $۰/۴۲-$ است که اثر قابل ملاحظه‌ای است. ضریب همبستگی مشترک دینداری و احساس آنومی نیز $۰/۴۵-$ و مجذور آن $۰/۲۰$ است، یعنی این دو متغیر ۲۰ درصد از تغییرات کجروی را تبیین می‌کنند. این میزان از توان تبیینی توسط دو متغیر اجتماعی، نشان‌گر اثر قابل توجه بازدارندهٔ این دو متغیر است و تأییدی است بر کفایت نظریهٔ دورکیم و سایر کارگرایان دربارهٔ نقش مثبت دین و دینداری در کنترل و ایجاد نظم اجتماعی.



شکل ۲. اثر مستقیم و غیر مستقیم دینداری بر کجروی

^۱ $-۰/۴۶ * ۰/۱۶ = -۰/۰۷۳۶$

۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میزان دینداری در جمعیت مورد بررسی در حد بالایی است. این میزان در ابعاد اعتقادی و تجربی بیش از جنبه‌های مناسکی و پیامدی است. این یافته با تحقیقات پیشین که از سنجه‌ی مشابهی استفاده کرده‌اند هماهنگ است (ر.ک. سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ طالبان، ۱۳۷۸؛ نیکخواه، ۱۳۸۳). از نظر شاخص احساس آنومی، جمعیت مورد بررسی در حد متوسط به بالا دارای احساس آنومی است. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که اعتماد به قواعد و مقررات اجتماعی و ارزش‌ها و هنجارهای تأمین‌کننده‌ی نظم اجتماعی در بین آنان در حدی است که می‌تواند منشاء بروز مشکلاتی در جامعه باشد، با وجود این، بیشترین تأثیر در بالابودن احساس آنومی مربوط به فقدان اعتماد به دیگران و نهادهای مدیریتی است اما باور ابراز شده به قواعد اخلاقی و قانونی در حد قابل قبولی است. به همین ترتیب، میزان ارتکاب کجرفتاری‌های اجتماعی، به نحوی که در این پژوهش تعریف عملیاتی شده است، در حد پایینی است. با آن که میزان کجرفتاری اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه در حد نگران‌کننده‌ای نیست، اما با توجه به میزان بالای احساس آنومی در بین آنان، از آن جا که احساس آنومی با ارتکاب کجروی رابطه دارد، به نظر می‌رسد که پتانسیل ارتکاب کجروی در بین آنان وجود داشته باشد، زیرا مباحث نظری و پژوهش‌های تجربی، از جمله همین پژوهش، بر رابطه همبستگی مثبت بین احساس آنومی و کجروی دلالت دارند. به همین دلیل لازم است در خصوص دلایل احساس آنومی در بین دانشجویان و جوانان بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد و برای تقلیل آن چاره‌اندیشی شود.

از نظر رابطه دینداری و آنومی با کجروی، یافته‌ها حاکی از آن است که دینداری با هر دو متغیر دارای روابط منفی معناداری است. این رابطه هم در سطح دینداری کل و هم در سطح ابعاد دینداری برقرار است. در عین حال، بیشترین شدت این رابطه به رابطه بین این دو متغیر با بعد پیامدی و مناسکی دینداری برمی‌گردد. به این ترتیب تقید و التزام به ابعادی از دینداری که به عمل و اجرای آموزه‌های دینی در زندگی روزمره مربوط می‌شود دارای آثار بازدارندگی بیشتری است و بر اساس داده‌های این مطالعه، کارکرد آن برای نظم اجتماعی بیشتر است. در واقع، نمود اعتقادات و باورهای دینی در کنش‌های فرد که در ابعاد مناسکی و به خصوص پیامدی دینداری متبلور می‌شود، بیشتر از سایر ابعاد دینداری بر احتمال بروز کجروی و کنش‌های هنجارشکنانه تأثیر پیش‌گیرانه دارد.

در نهایت، الگوی مربوط به تأثیرگذاری دینداری بر کجروی به صورت مستقیم و هم‌چنین با واسطه متغیر احساس آنومی مورد تأیید قرار گرفت. به این ترتیب دینداری علاوه بر این که مستقیماً موجب کاهش کجروی می‌شود، می‌تواند احساس آنومی را هم کاهش دهد و این به نوبه خود موجب کاهش بروز رفتار کجروانه می‌شود. هر چند تأثیر بازدارنده غیر مستقیم دینداری بر بروز کجروی از طریق اثر معکوس بر میزان احساس آنومی به هیچ وجه در حد تأثیر مستقیم دینداری بر کاهش احتمال بروز کجروی نیست، اما این تأثیر معنادار و حایز اهمیت است.

در مجموع یافته‌های این پژوهش، مؤید کارکرد مثبت دین برای نظم اجتماعی از طریق کاهش احساس آنومی و نیز کاهش ارتکاب کجروی است. هم‌چنین اثر بازدارنده ابعاد عملی دینداری، مانند بعد پیامدی و مناسکی بر بروز کجروی بیشتر است. به عبارت دیگر، اثر بازدارنده دینداری بر گرایش به کجروی زمانی عینیت بیشتری پیدا می‌کند که دینداری افراد تبلور اجتماعی و عینی بیشتری پیدا کند.

در توضیح این مسئله باید گفت که براساس نظر برخی از جامعه‌شناسان دین، باورها و تجارب دینی پاسخ‌گوی یک نیاز اصیل روانی در انسان است (برگر، ۱۳۸۳: ۵۳؛ همیلتون، ۱۳۸۱)؛ به همین دلیل باورها و احساسات دینی که می‌توانند جنبه صرفاً فردی داشته باشند، عمومیت زیادی دارند و کارکرد آن‌ها عمدتاً ناظر به جنبه‌های فردی است. اما کارکردهای اجتماعی دین، مثل کنترل و نظم اجتماعی بیشتر به ابعادی از آن برمی‌گردد که جنبه عینی‌تر و اجتماعی‌تری دارند، همانند مناسک جمعی و التزام عملی به کاربرد دین در زندگی روزمره.

در هر حال، با توجه به خاص بودن و میزان پایین‌تر دینداری در ابعاد عملی آن، گرایش و التزام به مناسک جمعی و کاربرد دین در زندگی روزمره بستگی زیادی به توجیه‌پذیری عقلانی و کارکردی مناسک و احکام در شرایط اجتماعی خاص دارد. از این رو، باید خاطر نشان ساخت که کاربرد احکام دین در زندگی روزانه و شرکت در مراسم و مناسک جمعی، به شرطی در بین جوانان اشاعه بیشتری پیدا خواهد کرد که با نیازهای آنان در چارچوب‌ها و ضرورت‌های کارکردی زندگی جدید سازگاری داشته باشد. به عبارت دیگر، چنان‌چه احکام و مناسک دینی به گونه‌ای مطرح شوند که با مقتضیات زندگی جدید سازگار نبوده و فاقد توجیحات معقول باشند، اقبال‌کنندگی و فراگیری‌شان در بین جوانان کاهش خواهد یافت. در نتیجه، چنان‌چه متولیان دین به این نکته مهم توجه نداشته باشند، ممکن است از التزام و تقید جوانان به مناسک و احکام دین، و در نتیجه اثر بازدارنده دین بر کجروی، کاسته شود.

منابع

آرون، ریمون (۱۳۶۳) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، جلد ۲، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

برگر، پیتر (۱۳۸۳) «برخلاف جریان»، در چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، سیدحسین سراج‌زاده، تهران: انتشارات طرح نو: ۴۲-۵۶.

پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶) بررسی مقایسه‌ای سنج‌های دینداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران. خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۵) آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری دانشجویان، طرح پژوهشی، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۴) «گستره پژوهش‌های داخلی در زمینه ساخت مقیاس‌های دینی»؛ در گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، چاپ اول؛ ۱۳۸۴: ۴۴۹-۵۰۹.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.

سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳ الف) «نیمه پنهان: گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، در *پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۴۱ و ۴۲: ۸۴-۵۳.

_____ (۱۳۸۳ ب) *چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن*، تهران: انتشارات طرح نو.

سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۲) *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، طرح پژوهشی دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، انتشارات پدیده گوتنبرگ.

طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸) *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.

کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۵)؛ *بررسی سنج‌های مرتبط با دین در ایران*، طرح پژوهشی، سازمان تبلیغات اسلامی.

کوزر، لویس (۱۳۸۰) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

نیکخواه، هدایت‌الله (۱۳۸۰) *سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

همیلتون، ملکم (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تیان.

Alpert, Harry (1961) *Emile Durkhiem and his Sociology* New York: Russell & Russell.

Baier. Colin J., and Bradley R. E. Wright., (2001) *You Love Me, Keep My Commandments: A Meta Analysis of the Effect of Religion on Crime* *Journal of Research in Crime and Delinquency* 38(1).

Benda. Brent B., (1995) *The Effect on Religion on Adolescent Delinquency Revisited* *Journal of Research in Crime and Delinquency* 32(4).

Budd Susan (1973) *Sociologists and Religion* London: Macmillan.

Davis, Kingsley (1964) *Human Society* New York: MacMillan.

Elifson. Kirk W., David M Petersen., and C. kirk Hadaway (1983) *"Religiosity and Delinquency; A Contextual Analysis* *Criminology* 21(4): 505-528.

Johnson. Byron R., Spencer De Li., David B. Larson and Michael McCullough, (2000) *A Systematic Review of the Religion and Delinquency Literature* *Journal of Contemporary Criminal Justice* 16(1): 32-52

Johnson. Byron R., Sung Joon Jang, David B. Larson and Spencer De Li., (2001) *"Does Adolescent Religious Commitment Matter? A Reexamination on the effect of Religiosity on Delinquency"* *Journal of Research in Crime and Delinquency* 38(1).

- Parsons, Talcott (1965) Introduction in Max Weber, *The Sociology of Religion* translated by E. Fischhoff, London: Methuen.
- Perry, Tonya R. (2007) *Religiosity and Risk; the Influence of Adolescent Faith on Behavior* PhD. Dissertation. La Sierra University.
- Radcliffe Brown, A. R. (1952) *Religion and Society in Idem, Structure and Sanction in Primitive Society*. London: Cohen and West.
- Serajzadeh, Seyed Hossein (1998) *Muslims Religiosity & Delinquency: An Examination of Iranian Youth* PhD. Dissertation Essex University
- Tittle, Charles R. and Michael Welch (1983) *Religiosity and Deviance: Toward a Contingency Theory of Constraining Effects* *Social Forces* 61(3) 653-680.
- Turner, Brayans (1984) *Religion and Social Theory* London: Heinemann.
- Witten. Dell Autumn. (2005) *Religion and Delinquency in the Context of Race and Place* University of Maryland.
- Wilson, Bryan (1982) *Religion in Sociological Perspective* New York: Oxford University Press.

پیوست‌ها

جدول ۱. گویه‌های مقیاس دینداری، مقایس کجروی و مقیاس احساس آنومی

محتوای گویه / سؤال	بعد دینداری
شیطان واقعاً وجود دارد	اعتقادی
اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد و فحشا همه جا را پر می‌کند	
در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت	
قرآن کلام خداوند است و هر چه می‌گوید حقیقت محض است	
این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد گشت	
من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم	
مطمئن نیستم که خداوند واقعاً وجود دارد؟	تجربی
کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد	
گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام	

دین و نظم اجتماعی، صص ۷۱-۱۰۵

	بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام بوج و بی‌هدف است
	هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد
	بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌هد
	گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم تا برای جبران گناهانم به من کمک کند
	در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید اینقدر سخت‌گیری کرد
پیامدی	تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است
	رهبران سیاسی باید کاردان و مذهبی باشند؟
	به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را می‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد؟
	با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد
	زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت کنند
مناسکی	هر چند وقت یک بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید
	در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشید) چقدر روزه می‌گیرید
	تا چه حد قرآن می‌خوانید
	تا چه حد با مسجد محل، هیئت مذهبی یا هر مؤسسه اسلامی دیگر همکاری دارید
	آیا نماز می‌خوانید
	آیا در نماز جمعه شرکت می‌کنید
	آیا در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود شرکت می‌کنید
مقیاس کجروی	
	تقلب در انجام تکالیف درسی و امتحانات؟
	دعوا همراه با زد و خورد؟
	سیگار کشیدن؟
	مصرف مواد مخدر (هروئین، تریاک، حشیش، کوکائین، مرفین، داروهای روان‌گردان و...)?
	کش رفتن چیزهای کم ارزش از دیگران؟
	کش رفتن و برداشتن چیزهای نسبتاً ارزشمند دیگران؟
	صندلی سینما، پارک یا سایر اماکن را پاره کردن و یا روی آن‌ها یادگاری نوشتن؟
	داشتن رابطه جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)?
	تماشای فیلم ویدیویی غیرمجاز و صحنه‌دار؟
	در پارتی‌های مختلط دوستانه (نه خانوادگی) شرکت کردن؟
	آیا دوستی از جنس مخالف داشته یا دارید؟
مقیاس احساس انومی	
	وضع مردم طبقه متوسط به پائین روز به روز بدتر می‌شود
	اکثر مسئولین مملکت به فکر مردم عادی نیستند
	این روزها به کمک کسی نمی‌توان امید داشت

بیشتر اوقات احساس بی‌زاری از زندگی به من دست می‌دهد
پول در آوردن مهم‌ترین هدف در زندگی است
حالا که رعایت قانون برای ضعفاست کسی که به آن مقید باشد، ضرر کرده است
برای رسیدن به هدف باید از هر وسیله غلط یا درستی استفاده کرد

جدول ۲. توزیع فراوانی جمعیت نمونه مورد مطالعه بر حسب گزینه‌های گویه‌های سنجه احساس آنومی

درصد فراوانی			گویه‌های مقیاس احساس آنومی
کاملاً مخالف و مخالف	بینابین	کاملاً موافق و موافق	
۱۸/۴	۰/۳	۸۱/۳	وضع مردم طبقه متوسط به پائین روز به روز بدتر می‌شود.
۱۱/۰	۱۶/۶	۷۲/۴	اکثر مسئولین مملکت به فکر مردم عادی نیستند.
۱۶/۳	۱۶/۳	۶۷/۵	این روزها به کمک کسی نمی‌توان امید داشت.
۴۲/۷	۲۰/۹	۳۶/۵	بیشتر اوقات احساس بی‌زاری از زندگی به من دست می‌دهد.
۴۸/۸	۲۷/۶	۲۳/۶	پول در آوردن مهم‌ترین هدف در زندگی است.
۶۰/۱	۲۲/۱	۱۷/۷	حالا که رعایت قانون برای ضعفاست کسی که به آن مقید باشد، ضرر کرده است.
۸۳/۵	۹/۲	۷/۲	برای رسیدن به هدف باید از هر وسیله غلط یا درستی استفاده کرد.

جدول ۳. توزیع فراوانی جمعیت نمونه مورد مطالعه بر حسب گزینه‌های گویه‌های سنجه کجروی

درصد فراوانی			گویه‌های مقیاس کجروی
به ندرت و هیچ‌گاه	گاهی اوقات	همیشه و اغلب اوقات	
۴۳/۴	۳۳/۲	۲۳/۳	تقلب در انجام تکالیف درسی و امتحانات؟
۷۲/۳	۲۶/۲	۱/۵	دعوا همراه با زد و خورد؟
۹۳/۸	۲/۵	۳/۷	سیگار کشیدن؟
۹۹/۱	۰/۹	۰/۰	مصرف مواد مخدر (هروئین، تریاک، حشیش، کوکائین، مرفین، داروهای روان گردان و...)?
۹۷/۲	۱/۵	۱/۲	کش رفتن چیزهای کم ارزش از دیگران؟
۹۹/۱	۰/۶	۰/۳	کش رفتن و برداشتن چیزهای نسبتاً ارزشمند دیگران؟
۹۸/۲	۰/۶	۱/۲	صندلی سینما، پارک یا سایر اماکن را پاره کردن و یا روی آن‌ها یادگاری نوشتن؟

دین و نظم اجتماعی، صص ۷۱-۱۰۵

۹۸/۲	۰/۳	۱/۵	داشتن رابطه جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)؟
۵۸/۱	۳۴/۸	۷/۰	تماشای فیلم ویدیویی غیرمجاز و صحنه‌دار؟
۹۱/۶	۶/۵	۱/۸	در پارتی‌های مختلط دوستانه (نه خانوادگی) شرکت کردن؟
خیر: ۶۶/۴ درصد		بلی: ۳۳/۶ درصد	آیا دوستی از جنس مخالف داشته یا دارید؟